

## Personality and characterization techniques in Amin Reyhani's novel *Out of the Sacred*

Article Type: Research

Ebrahim namdar\*<sup>1</sup>, Ali Akbar ahmadi<sup>2</sup>, Ali shovaieian<sup>3</sup>

<sup>1</sup>. Associate Professor of Department of Quranic and Hadith Sciences,  
Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran

<sup>2</sup>. Assistant Professor of Department of Arabic Language and Literature,  
Payame Noor University, Tehran, Iran

<sup>3</sup>. M.A of Arabic language and literature, Payam-e-Noor University, Tehran,  
Iran.

### Abstract

One of the most important elements of the story is the character and characterization. In examining the character of the story, one can understand the events through what one understands, and this can have a significant impact on the theme of the story. Amin Reyhani uses special techniques in his stories to attract and influence. The present article tries to examine this important element in the novel "Outside the Sanctuary". In this way summarized the story and then the characters of the story, and examines the methods and techniques of these characters in the light of examples. One of the most important achievements of this research is that Amin Reyhani has been able to turn social realities into fictional reality with his strong imagination and glorious language and depict the social events of his contemporary era in another society. Reyhani's goal of accurate characterization is to reflect a precise and drawable image for the audience so that the understanding of the characters and conditions is concrete and believable for the reader. He has used both methods of characterization in his story. In direct characterization, the character is directly introduced to the audience, and in indirect characterization, it combines the element of fantasy with reality.

**Keywords:** Fictional Elements, Character and Characterization, Amin Reyhani, *Outside the Sacred*.

---

\* Corresponding Author

enamdari@abru.ac.ir

## تکنیک‌های شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان خارج الحرم

امین ریحانی

نوع مقاله: پژوهشی

ابراهیم نامداری<sup>۱</sup>، علی اکبر احمدی<sup>۲</sup>، علی شویعیان<sup>۳</sup><sup>۱</sup> دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران<sup>۲</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰

## چکیده

یکی از عناصر مهم داستان، شخصیت و شخصیت‌پردازی است. در بررسی شخصیت داستان فرد می‌تواند از طریق آنچه درک کند به حوادث پی ببرد و این کار می‌تواند تأثیر چشمگیری بر درون‌مایه داستان داشته باشد. امین ریحانی در داستان‌های خود از نقش شخصیت در بیان اهداف داستان نویس غافل نیست. مقاله حاضر سعی دارد با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، این عنصر مهم را در رمان «خارج الحرم» بررسی کند. بدین ترتیب شخصیت‌های داستان استخراج گردید و تکنیک‌های آن‌ها با نمونه مثال‌هایی مورد بررسی قرار داده شد. از مهمترین دستاوردهای پژوهش علاوه بر نگاه پیشروانه ریحانی در بیان مشکلات اجتماعی چنان‌که توانسته است واقعیت‌های اجتماعی را با تخیل قوی و زبان فاخر به واقعیت داستانی تبدیل کند و حوادث اجتماعی دوران معاصر خود را در جامعه‌های دیگر به تصویر بکشد؛ بیان این مطلب است که وی کشمکش میان «من» جهان (شخصیت کانونی داستان) با «من اجتماعی» را دقیق و هنری به تصویر کشیده است. هدف ریحانی از شخصیت‌پردازی دقیق، انعکاس تصویری دقیق و قابل ترسیم برای مخاطب است تا درک شخصیت‌ها و شرایط برای خواننده ملموس و باورپذیر باشد و وی در شخصیت‌پردازی بیشتر متکی به روش شخصیت‌پردازی مستقیم و در شخصیت‌پردازی غیرمستقیم عنصر خیال را با واقعیت در می‌آمیزد.

**کلید واژه‌ها:** عناصر داستانی، شخصیت و شخصیت‌پردازی، امین ریحانی، خارج الحرم.

## مقدمه

شخصیت، اصلی‌ترین عنصر هر داستان است و نقش مهمی در شکل‌گیری حوادث و رویدادها دارد. این عنصر از آن رو اهمیت دارد که مجموعه‌ای از رفتارها و اعمال انسانی را که با زندگی مخاطب ارتباط دارد، به تصویر می‌کشد. شخصیت در یک داستان فردی است که ویژگی‌های روانی و اخلاقی او در اعمال و گفتارش وجود دارد و یک نویسنده برای این‌که بتواند این شخصیت‌ها را به طور ملموس به تصویر بکشد بطوری‌که درک آن شخصیت‌ها از سوی مخاطب امکان پذیر باشد، به شخصیت‌پردازی روی می‌آورد. در شخصیت‌پردازی نویسنده از روش‌هایی چون توصیف کارها و موقعیت‌های مختلف به توصیف شخصیت‌ها می‌پردازد در این مسیر نویسنده برای این‌که شخصیت‌پردازی موفق داشته باشد باید شناخت کاملی از عواطف، احساسات و ویژگی‌های ظاهری شخصیت‌ها داشته باشد تا امکان برقراری ارتباط بین مخاطب و شخصیت‌ها به خوبی صورت پذیرد.

آثار فکری - ادبی ریحانی (۱۸۷۶ - ۱۹۴۰) نویسنده لبنانی، بیشتر از آن‌که پاسخی به نیاز جامعه باشد، جوابی به تمایلات و امیدهای درونی خود او است. رمان خارج الحریم (بیرون از خانه) از جمله این آثار است که هم از جنبه‌ی محتوا و هم از جانب سبک و زبان موجب شگفتی است؛ زیرا زبانش برای دوره ما نیست بلکه در مرحله انتقالی بین نثر کلاسیک قدیم و زبان معاصر قرار می‌گیرد. هدف از انتخاب خارج الحریم این است که نویسنده آن را به گونه‌ای نوشته که واقع‌گرایی در آن موج می‌زند. به گونه‌ای که نویسنده با انتخاب شخصیت‌ها این مهم را به مخاطب عرضه می‌کند. از این‌رو پژوهش حاضر به بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی در این رمان پرداخته است تا چگونگی به کارگیری شخصیت و شخصیت-پردازی را نشان دهد.

سؤالاتی که با مطالعه این رمان به ذهن پژوهشگر متبادر می‌شود به شکل زیر است:

١. شیوه شخصیت‌پردازی در رمان خارج الحريم کدام است و رابطه آن با نگاه مصلحانه ريحانی چگونه است؟

٢. تقابل «منِ فردی» و «منِ اجتماعی» چگونه در شخصیت‌پردازی به تصویر کشیده شده است؟

این پژوهش سعی دارد، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه منابع و جمع‌آوری اطلاعات لازم به صورت کتابخانه‌ای به سوالات مذکور پاسخ دهد.

### پیشینه‌ی پژوهش

در خصوص بررسی شخصیت و نقش آن در داستان و عناصر داستانی، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است، از جمله: تأملی دیگر در باب داستان (١٣٦٢) ترجمه محسن سلیمانی؛ نویسنده در این اثر می‌خواهد به این سؤال، پاسخ دهد که چرا داستان می‌خوانیم؟ آیا برای لذت و تفریح است یا درک و فهم بیشتر؟ و در ادامه داستان را برای زدودن خستگی از دامان زندگی معرفی می‌کند. منشأ شخصیت در ادبیات داستانی (١٣٧١) اثر شیرین دخت دقیقیان؛ در زمینه نقش پروتوتیپ‌ها در فرآیند آفرینش ادبی که در سه فصل به بررسی شخصیت، انواع شخصیت، پروتوتیپ‌ها و شخصیت‌های تاریخی در داستان می‌پردازد.

عناصر داستان (١٣٩٤) اثر جمال میر صادقی؛ نویسنده در این کتاب به بررسی انواع داستان، شخصیت و شخصیت‌پردازی، عناصر داستان اعم از پیرنگ، زاویه دید یا کانون روایت، صحنه، سبک، لحن و... پرداخته است و معتقد است که با پیشرفت دانش زمان و تحولات و نظرات در عرصه هنر داستان نویسی، مسائل مربوط به آن هم تغییر می‌کند. از بین مقالات می‌توان به «بررسی عنصر شخصیت در حکایت‌های بوستان سعدی» از اکبر صیاد کوه و دیگران، مجله علمی-پژوهشی بوستان ادب، شماره دوم (١٣٨٩)؛ نویسندگان در این مقاله بر آند تا نشان دهند در حکایت‌های بوستان چه گونه‌ای از شخصیت‌ها، نمود بیشتری دارند و پویایی و ایستایی شخصیت‌های اصلی حکایت‌های بوستان را بررسی کنند و شخصیت‌های زن و مرد را تفکیک کنند.

مقاله «بررسی و تحلیل رمان بیوتن با تأکید بر عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی» از مصطفی گرجی و یوسف رضا حامدی، فصلنامه تخصصی پیک نور، شماره اول (١٣٨٩) اشاره کرد، در

این مقاله، نویسنده ضمن بررسی شخصیت‌های این رمان و کیفیت شخصیت‌پردازی آن از نظرگاه‌های مختلف؛ عوامل برجستگی رمان را بررسی کرده است. بررسی رمان نشان می‌دهد که شخصیت‌های آن دارای دو ویژگی انسان شرقی و غربی به صورت توأمان هستند و گفتمان برتر و حاکم بر آن‌ها انسان نیمه سنتی-نیمه مدرن است؛ اما شاید بتوان «بررسی عناصر داستان در رمان زنبقه الغور از امین ریحانی» به قلم سکینه بناساز (۱۳۹۴) به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد، را تنها اثری دانست که مستقیم به جنبه‌های داستانی آثار ریحانی پرداخته است؛ نویسنده با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس داده‌ها و مطالعات روایت‌شناسی ساختارگرا، عناصر رمان معروف «زنبقه الغور» اثر امین الریحانی را تحلیل می‌کند. نتایج حاصل حاکی از آن است که نویسنده در پردازش دو عنصر شخصیت و مکان در رمان مذکور، نسبت به سایر عناصر، موفق‌تر بوده است و مهاجرت او، تأثیر عمیقی در شکل‌گیری رمان داشته است. اما با جستجو در آثار پژوهشگران، پژوهشی که به این موضوع حتی نزدیک باشد، یافت نشد. همان‌طور که از عنوان پایان نامه مذکور بر می‌آید، نویسنده به عناصر داستان زنبقه الغور پرداخته است که از این عناصر شخصیت و شخصیت‌پردازی می‌باشد و آن را در رمان مذکور بررسی کرده است، از این رو نتایج به دست آمده در آن نمی‌تواند هیچ‌گونه شباهتی به نتایج این پژوهش داشته باشد؛ نتایج این پژوهش بدین گونه است که شخصیت از بین انواع دیگر عناصر داستان نمود بیشتری در این رمان دارد و نویسنده در این عرصه توانسته خیال ذهنی خود را به کمک شخصیت و شخصیت‌پردازی به واقعیت بدل کند.

### در باره‌ی داستان خارج الحریم (بیرون از خانه)

این رمان درباره زنی به نام جهان دختر رضا پاشا از تبار عثمانی بوده، جهان، بزرگ شده پاریس، آزادی خواه، انقلابی و مسلمان است. وی به زبان آلمانی مسلط است و به فعالیت‌هایی چون کارکردن در بیمارستان، فروش گل در بازارهای خیریه در پارک‌های «تقسیم» و نوشتن

مقاله‌ای در مورد جهاد برای مجله «طنین» می‌پردازد. علاوه بر کارهای روزانه‌اش ترجمه کتاب «چنین گفت زرتشت» اثر نیچه فیلسوف آلمانی را نیز انجام می‌دهد. او زنی است آزادی‌خواه و آرزویش آزادی است و اینکه بیرون از حدود و حریم (خارج الحرم) دست و پاگیر آزدایش زندگی کند و برای آن شرف، پدر، برادر و همسرش را فدا کرد. جهان همسر شاهزاده سیف الدین است ولی به دلیل این‌که همسرش سوگندش را شکسته و همسر دیگری را اختیار کرده او را ترک می‌کند و به خانه پدرش بر می‌گردد. جهان رابطه‌ای با ژنرال وان والنستین آلمانی دارد که عاشق جهان شده است اما این مسأله دلپسند رضا پاشا نیست از این روی او را ملزم می‌کند: «از حالا به بعد بدون حجاب یا بدون همراهی یک خدمتکار خارج نشده و سخنرانی نمی‌کنی و وارد سیاست نمی‌شوی و برای مجلات مقاله نمی‌نویسی و همچنین از نامه نگاری و دیدار با ژنرال وان والنستین دست بکش». اما این علاقه در ادامه به نفرت تبدیل می‌شود که در نهایت، جهان، ژنرال را به خانه‌اش دعوت می‌کند و با ضربه شمشیر او را از پای در می‌آورد. و بعد از انتشار خبر کشته شدن ژنرال، دستگیر می‌شود.

### شخصیت و کارکرد آن در داستان

هر داستان از عناصری تشکیل می‌شود که یکی از این عناصر، عنصر شخصیت است؛ شخصیت یکی از ارکان مهم داستان است که نقشی کلیدی در عینیت بخشی به داستان و رویدادهای آن دارد هم چنان‌که بار کشش داستان را شخصیت به عهده دارد و ارتباط تنگاتنگی با دیگر عناصر داستان از جمله رخدادها و زبان و فضا دارد (عرب یوسف آبادی و احمدی چناری، ۲۰۱۷: ۹۸). شخصیت بازیگر داستان است (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۳۵۱) و همچنین جان رمان است. «رمان بی شخصیت همچون جهان است پیش از پیدایش انسان که حتی اگر زیباترین رؤیاهای شاعران هم بود کسی نبود که زیبایی آن را درک کند و بستاند، جهان بدون انسان بی لطف و بی معناست و رمان بدون شخصیت تصور ناپذیر» (ایرانی، ۱۳۸۰: ۴۵۸) تأثیر شخصیت در داستان به حدی است که مهمترین عنصر داستان به شمار می‌رود. و نویسنده با «بهره‌گیری از انسان داستانی به طرح، ترسیم و نمایش برداشت خود نسبت به زندگی همت می‌گمارد» (آلوت، ۱۳۸۰: ۴۵۴). شخصیت علاوه بر جذاب کردن داستان بیانگر مهارت نویسندگی داستان نویس است تا جایی که «مهمترین عنصر منتقل کننده تم داستان و مهمترین عامل طرح داستان، شخصیت

داستانی است» (یونسی، ۱۳۸۲: ۳۳). به عبارت بهتر، کیفیت به کارگیری هر شخصیت به نوع داستان، بستگی دارد و شیوهٔ بکارگیری آن‌ها در داستان‌ها متفاوت می‌باشد.

در واقع این شخصیت است که به داستان جان می‌بخشد و باعث می‌شود که خواننده با داستان خو بگیرد. بحراری شخصیت را از مبهم‌ترین عناصر داستان به شمار می‌آورد زیرا در واقع پرسش از داستان آن چیزی است که شخصیت‌ها آن را به انجام می‌رسانند. (بحراری، ۱۹۹۰: ۲۰۷)

شخصیت‌های داستان، افرادی حقیقی یا مجازی‌اند که حوادث پیرامون آن‌ها جریان می‌یابد و در سیر داستان حضور این شخصیت‌ها پررنگ یا کم رنگ می‌شوند. «شخصیت فرد ساخته شده‌ای است که مانند اشخاص حقیقی از ویژگی‌هایی بر خوردار است و با همین ویژگی در داستان و نمایش ظاهر می‌شود». (داد، ۱۳۸۲: ۳۰۱) نویسنده در خلق شخصیت داستان خود آزاد است، می‌تواند با قدرت تخیل خود شخصیت تخیلی بسازد اما امروزه توانایی نویسنده در خلق شخصیت‌های است که بتواند مخلوقات ذهنی او را واقعی جلوه دهد. (مقدادی، ۱۳۷۸: ۳۳۳) بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد که شخصیت داستان صرفاً یک انسان نیست بلکه می‌تواند موجودات زنده و یا جامدات، به عنوان شخصیت یک داستان در نظر گرفته شوند. شخصیت‌ها از طریق گفتارها و اعمالی که در سیر داستان صورت می‌گیرد خود را به مخاطب معرفی می‌کنند و موجب آشنایی مخاطب با شخصیت‌ها می‌شود و انگیزه‌هایی برای این اعمال و رفتار وجود دارد که نویسنده در سیر داستان و رخداد وقایع آن‌ها را بیان می‌کند (القاضی، ۲۰۰۹: ۶۷) به دیگر سخن، شخصیت عبارت است از هر کسی که در کنش‌های روایت مشارکت دارد، چه مثبت و چه منفی و منجر می‌شود که بر احساسات و عواطف خواننده تأثیر گذارد. داستان نویسان برای این‌که شخصیت‌هایی پویا و واقعی ارائه کنند مداوم باید سه اصل را مد نظر داشته باشند؛ «اول، شخصیت‌ها باید در رفتار و خلقیاتشان ثابت قدم و استوار باشند. آن‌ها نباید در وضعیت و موقعیت‌های مختلف، رفتار و اعمال متفاوتی داشته باشند. دوم، شخصیت‌ها برای

آنچه انجام می‌دهند باید انگیزه‌ی معقولی داشته باشند. سوم، شخصیت‌ها باید پذیرفتنی و طبیعی جلوه کنند. آن‌ها باید نه نمونه‌ی مطلق پرهیزگاری و خوبی باشند و نه دیو بد سرشت و شریر، بلکه ترکیبی از خوبی و بدی و مجموعه‌ای از فردیت و اجتماع باشند» (میر صادقی، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۵). در روند شکل‌گیری یک داستان همواره شخصیت‌هایی وجود دارند که برخی مدت زمان بیشتری در داستان حضور دارند و داستان حول اعمال و گفتار آن‌ها می‌چرخد و برخی نیز حضور کم‌رنگتری دارند. در واقع شخصیت‌ها در داستان از چند بعد دسته‌بندی می‌شوند.

### انواع شخصیت در رمان خارج الحريم

نویسندگان و رمان‌نویسان از روش‌های گوناگونی برای شخصیت‌پردازی در رمان، بهره می‌گیرند:

#### شخصیت اصلی

شخصیت اصلی داستان همان است که نویسنده داستان بیشترین توجه را به او دارد و اعمال او در سرتاسر داستان موجود است. و تأثیر او بر زندگی بیشتر شخصیت‌های داستان غیرقابل انکار می‌باشد. همه امور حول او می‌چرخد و عوامل دیگر برای پررنگ کردن و نشان دادن عملکردش در روند داستان به وجود می‌آیند. «فردی که در مرکز داستان کوتاه و رمان و نمایشنامه قرار می‌گیرد و نویسنده سعی می‌کند که توجه خواننده یا بیننده را به او جلب کند شخصیت اصلی یا محوری یا مرکزی می‌گویند». (همان: ۲۰۰) به بیان دیگر شخصیتی که بیشترین توجه به او می‌شود، و پاشنه آشیل یک داستان به شمار می‌آید، شخصیت اصلی گویند. «شخصیت، ابزاری برای بیان دیدگاه‌های راوی و نقطه‌ی اتکایی برای بیان بحران در روایت است». (البناء، ۲۰۰۹: ۶۷) و «بار سنگین و اصلی داستان را بر دوش می‌گیرد و رفتارها و کنش‌های سایر آدم‌ها در داستان گرد محور او می‌چرخد و چرخ داستان را پیش می‌برد». (مهدی پور عمرانی، ۱۳۸۸: ۱۲۴) به بیان دیگر شخصیت اصلی بیشترین نقش را بر عهده دارد و سایر شخصیت‌ها در جهت پیشبرد داستان به او کمک می‌کنند.

شخصیت اصلی داستان خارج الحریم، زنی به نام جهان است او از روشنفکران و تحصیل کرده‌های ترک و زاده و بزرگ شده پاریس است. شخصیت مقابل او ژنرال آلمانی است که طی دیدارها و برخوردهای پی در پی، به یکدیگر علاقمند می‌شوند؛ این علاقه، با کشته شدن برادر، پدر و پسرعموی جهان، از هم می‌پاشد به نحوی که مشخص می‌شود ژنرال در مرگ آن‌ها، دست داشته است، بنابراین عشق به نفرت بدل می‌شود و جهان می‌خواهد که انتقام خون خانواده‌اش را از ژنرال وان والنستین بگیرد.

داستان حول جهان و کارهایش می‌چرخد او زنی آزادی خواه است و از جور مردان در جامعه مردانه به ستوه آمده. و می‌گوید هرگز در برابر ظلم مردان سر فرو نمی‌آورد و تفاوتی نیست که آن فرد همسر، برادر، پدر یا صاحب تاج و تخت باشد: «کلا، إنا لن نخضع منذ اليوم لطفیان الرجل وجیره، ولا فرق إن كان زوجًا أو أختًا أو أبًا، أو صاحب تاج و صولجان» (ریحانی، ۱۹۱۷: ۱۰).

ریحانی در این داستان از زنی طلایه‌دار سخن می‌گوید که او را در جامعه عربی خود نیافته بلکه از نژاد ترک است. به نظر انتخاب این زن به عنوان کسی که خواستار آزادی هست از طرفی غیرمعقول است چرا که همواره افرادی که از سران و بزرگان جامعه هستند نسبت به عامه مردم از آزادی بیشتری برخوردارند و دلیلی ندارد که او به دنبال استقلال باشد اما این انتخاب ریحانی درست بوده چون اگر انتخاب این شخصیت از عوام صورت می‌گرفت موانع بسیاری در مسیر او ایجاد می‌شد از جمله: عدم موافقت پدر به عنوان کسی که نقشی اثرگذار در خانواده دارد بعد از جدایی جهان از همسرش (شاهزاده سیف الدین). در واقع، می‌توان ادعان کرد که مردم هویت خود را در جریان تماس با دیگران کسب می‌کنند و از آن‌جا که رفتار و گرایش افراد درباره خویشتن، حاصل چیزی است که دیگران درباره فرد می‌اندیشند، گرایش‌ها و رفتارهای آشکار، همان چیزی است که از دیگران بهره جسته و در جریان تماس و معاشرت کسب می‌شود (توسلی، ۱۳۶۹: ۳۲۵). لذا این انتخاب، مناسب بوده چون این فرد

موقعیت و امکانات لازم برای تحقق آرمان خود که همان آزادی بوده را در اختیار داشته است. چرا که تربیت یافته اروپاست «نثار تهذیب استقته جهان من معلمة إفرنسية، ومربية ألمانية» (ریحانی: ۱۵) «عقل جهان عقل غربی التهذیب، عقل تسعرت فيه الثورة والتمرد، غربي المعرفة» (همان: ۹) و با چنین تربیتی است که خط قرمزها را می‌شکند «ولكن جهان كسرت سلاسل الحریم، وكانت آتخذ أقل اهتمامًا بجمالها الرائع من مواهبها العقلية، فقد ملأت كيانها تلك الأمنية التي عقدت النية على إحرازها لنفسها ولأمتها» (همان: ۹) و با پدیده‌های امروزی زندگی می‌کند «جهان صديقة النواب والوزراء، مدبجة المقالات السياسية، ربة المنبر منبر الحرية، صاحبة الرأي الذي طالما أثار قومًا، وأحرق آخرين، نصيرة مبدأ أحدث ثورة في العقول، وحمل الرجال والنساء على العمل في سبيل الحق والحرية» (همان: ۱۷). به روشنی می‌توان گفت: هر چه طبقه اجتماعی فردی بالاتر باشد، دایره، شدت و اهمیت مشارکت اجتماعی وی بیشتر است.

شخصیت محوری دیگر این داستان ژنرال وان والنستین است که جهان با او بطور تصادفی آشنا می‌شود و به خاطر علاقه‌اش به جهان و مخالفت پدر جهان می‌خواهد رضایت او را به دست آورد که این تلاش با نجات پدر جهان از چوبه دار آشکار می‌شود. و این نجات بیشتر جنبه تظاهر و فریب دارد: «اعتمد الجنرال فون والنستين على خطته المنكرة الذميمة ... فقال في نفسه رغم إرادته سأتظاهر بالدفاع عن أبيها، وأنقذه من مخالف أعدائه، ومن مكائد أبناء وطنه» (همان: ۵۴).

برای جلب رضایت افراد و کسب موافقتشان همواره باید دست به اقداماتی زد تا بتوان نگاه دیگران را نسبت به خود تغییر داد؛ این اقدام ژنرال، برای کسب رضایت پدر جهان را نمی‌توان مکر و حيله نامید چه مکر «کوشش مخفیانه برای ایجاد فساد» است (فخر رازی، بی‌تا: ۲۳۵/۳) در واقع ژنرال برای بدست آوردن جهان در صدد کسب رضایت پدر جهان است که این کسب موافقت در آن شرایط صورت گرفت. ژنرال خود نمونه‌ای دیگر از جبرهای اجتماعی، طبقاتی یا فرهنگی است که مانعی در برابر فردیت «من فردی» است. ژنرال، جهان و زن را مایه تلذذ خود می‌خواهد و مدام او را «الحسناء» صدا می‌زند و حتی بعد از جهان می‌خواهد که معشوقه او باشد «إذا صدقتك وجب علي أن أسألك أن تكوني خليلتي.» (ریحانی: ۶۷) اما زن در نگاه جهان، نه ابزاری برای لذت مردان که دارای روح و عقل است و مجبور نیست که این

نقش فراهم کننده عیش مردان را ایفا کند «آه ما أشقائي، تزوجت مرة، ولا أستطيع أن أتزوج مرة ثانية، أنا متزوجة من الحرية» (همان: ۶۷). بلکه رفتار و عمل او برآیندی از تعاملش با خود است؛ «خود» شخصیت جهان پس از فهم موقعیت خویش کنشی را در برابر آن پی می‌گیرد که بنابر تفسیر فرد از موقعیت ساخته می‌شود. «عقيدتي بالزواج أسمى مما تظن يا حضرة الجنرال» (همان: ۶۸)

### شخصیت فرعی

شخصیت فرعی در داستان، شخصیتی است که حضور آن نسبت به شخصیت اصلی کمتر به چشم می‌خورد و این حضور با توجه به رخدادها کم و زیاد می‌شود؛ این شخصیت‌ها «بیشتر برای آشکار شدن شخصیت اصلی در داستان حضور پیدا می‌کنند». (اسماعیل لو، ۱۳۸۴: ۷۰) «بسیاری از شخصیت‌های خوب به علت وجود شخصیت‌های فرعی به یاد ماندنی می‌شوند. شخصیت‌های فرعی می‌توانند داستان را پیش برانند، نقش شخصیت اصلی را روشن کنند. به کار، بافت و رنگ بدهند درون مایه را عمیق‌تر، رنگ مایه‌های کار را گسترده‌تر کنند و جزئیاتی جالب توجه حتی به کوچکترین صحنه‌ها و کوچکترین لحظات کار اضافه کنند.» (میر صادقی، ۱۳۸۸: ۱۸) به بیان دیگر شخصیت فرعی روشن کننده نقش شخصیت اصلی و رنگ و لعاب دهنده به بافت داستان است.

رضا پاشا پدر جهان و سلیم غلام جهان یکی از این شخصیت‌های فرعی است؛ رضا پاشا باتوجه به مخالفتش در ازدواج جهان با ژنرال، ناپایداری در داستان ایجاد کرده و این مخالفت هنگامی که از جهان می‌خواهد با پسرعمویش ازدواج کند و همگی به قونیه باز گردند بیشتر آشکار می‌شود. رضا پاشا پدر جهان مردی پنجاه و هفت ساله با چشمان عسلی، بلند همت و تندخو است. سه پسر داشته که در راه وطن فدا شده‌اند به همین خاطر او مردی بسیار غمگین است. زمانی که رضا پاشا در چهل سالگی اش نماینده نظامی سفارت عثمانی در پاریس بود هر

دو فرزند، جهان و برادرش مجید بک در پاریس از سلیمه، محبوبترین همسرش متولد شدند. رضا پاشا علاقه‌ای به برقراری ارتباط با آلمان‌ها نداشت. در واقع در جریان جنگ جهانی دوم رضا پاشا جانب هیچ یک از طرف‌های درگیر را نگرفت. وی، در جریان جنگ جهانی فریب آلمان‌ها را نخورد. به همین خاطر آلمان‌ها در مورد گرایش او به متفقین بدگمان شدند و گفتند که او خائن است اما ژنرال وان والنستین که در دولت عثمانی قدرت و نفوذ داشت بخاطر علاقه‌اش به جهان مانع از محاکمه او شد.

ریحانی در خارج الحریم، سلطه و نقش پدر را در جامعه اسلامی به تصویر می‌کشد اما نمی‌داند که این دختر بزرگ شده پاریس است و با آداب و رسوم آن سرزمین رشد یافته و نمی‌توان نظر خانواده را بر او تحمیل کرد. شخصیت فرعی دیگر داستان، سلیم، غلام جهان است که در تمام رخدادهایی که پیش می‌آید همواره کنار جهان حضور دارد. سلیم نقش رابط را در این رمان بازی می‌کند و اخبار بین جهان و ژنرال را جابجا می‌کند. «وقد بعثت بالمدکرتین مع سلیم عبدها الأمين» (ریحانی، ۱۹۱۷: ۱۸). «نادت بالخصي سلیم، فأعطته التعليمات اللازمة بخصوص القهوة، وذهبت إلى الدارخانة، وبيدها كتاب نيتشي «هكذا قال زاراتوسترا» (همان: ۱۰)

سلیم نمونه شخصیت فرعی است که در برخی از صحنه‌ها برای این که شخصیت اصلی داستان بتواند به مقصودش برسد او را یاری می‌کند. در نمونه اول نامه‌ها را به اشخاص مورد نظر می‌رساند و در نمونه دوم بعد از اطلاع جهان از خودکشی پدرش، او ژنرال را به خانه‌اش دعوت می‌کند و برای استقبال از او که در واقع نقشه قتل او را می‌خواهد اجرا کند به غلامش سلیم شیوه تهیه قهوه جهت پذیرایی از ژنرال را آموزش می‌دهد. سیر شخصیت‌ها در داستان یکنواخت نیست بلکه بعضاً شخصیت‌ها در فرایند حرکت داستان افت و خیز دارد و چه بسا دستخوش دگردیسی شوند و البته این امکان هم وجود دارد که ثبات خود را تا پایان داستان حفظ کند، از این روی شخصیت‌های داستان چه اصلی و چه فرعی ممکن است از روند داستان تأثیر پذیرند و متغیر شوند. بعد از بررسی شخصیت‌ها از حیث اصلی و فرعی بودن، حال باید آن‌ها را از نظر میزان تأثیر گذاری بر روند داستان و تأثیر پذیریشان از شخصیت‌ها و عوامل دیگر به دو گروه شخصیت پویا و ایستا دسته بندی کنیم:

## شخصیت پویا

این شخصیت در سیر داستان دچار تغییر و تحول می‌شود. «در رمان، شخصیت‌ها جوانی را شروع می‌کنند و به تدریج پیر می‌شوند. آن‌ها از رویدادها و صحنه‌ای دیگر، و از جایی به جای دیگر می‌روند». (میر صادقی، ۱۳۸۸: ۲۵۰) در واقع شخصیت‌ها در داستان سیر زمانی را سپری می‌کنند که این عامل باعث واقعیت بخشیدن به حوادث و برقراری ارتباط بین مخاطب و شخصیت می‌شود. این شخصیت‌ها «در برخی از ابعاد شخصیتش تحوّل دائمی و ماندنی روی داده، این تحوّل نوع نگرش یا رفتارش را تغییر می‌دهند این تغییر و تحوّل ممکن است خیلی زیاد یا خیلی کم باشد. هم چنین ممکن است رو به خوبی یا بدی باشد، اما باید حتماً مهم و بنیادی باشد» (پراین، ۱۳۶۲: ۵۱) شخصیت‌هایی پویا در داستان خارج الحریم، جهان و ژنرال هستند. جهان در ابتدای داستان شیفته ژنرال است ولی به مرور و در روند داستان با توجه به حوادثی که اتفاق می‌افتد، عشق جهان به نفرت تبدیل می‌شود و تصمیم می‌گیرد که ژنرال را به قتل برساند و در کارش نیز موفق می‌شود: «ودخلت جهان القاعة، فنظرها الجنرال آخر مرة في حياته؛ لأنه في تلك اللحظة سقط السيف من يده، ونام نوم الموت» (ریحانی، ۱۹۱۷: ۸۴)

شخصیت پویای دیگر داستان، ژنرال است که در داستان نماد سلطه آلمان‌ها بر کشور عثمانی است چرا که خود را در انجام هر امری مختار می‌داند پویایی شخصیت ژنرال از آن روست که در ابتدای داستان به جهان علاقمند است و در سیر داستان رفتاری متناقض در تعامل با خانواده جهان نشان می‌دهد و موجب به قتل رسیدن اعضای خانواده او می‌شود:

«أ رضا باشا يصبح في قبضة هذا الألماني؟ ذلك القاضي الذي رأس المحكمة العسكرية ينفذ

فيها إرادة الجنرال كما تزين له أهواؤه حتى تدعن ابنة الباشا لمشيئته» (همان: ۷۲)

داستان از شخصیت‌هایی تشکیل می‌شود که برخی از این شخصیت‌ها ایستا یا ثابت‌اند و این شخصیت‌ها در پیشبرد داستان نقش دارند و دچار تغییر نمی‌شوند یا تغییراتشان بسیار محدود است.

## شخصیت ایستا

شخصیتی است که از اول تا آخر داستان تحولی در رفتارش روی نمی دهد یعنی همانطور می ماند که در اول داستان بود. (سلیمانی، ۱۳۶۲: ۵۴) به دیگر سخن، تحول، گونه گونی و رخدادها در رفتار و کارهای این شخصیتها اثرگذار نیست و در پایان داستان او را همانطور می یابیم که در ابتدای داستان با او آشنا شده ایم. رضا پاشا از جمله شخصیت های ایستاست که از ابتدای داستان تا پایان آن همچنان مخالف ازدواج دخترش با ژنرال است. «إن مخالفة بيتية مع ألماني لضرب من المستحيل، ولا مرء أنك توافقيني على الأقل بأنها مجردة من كل حكمة، ولا تطني أي أقاومها لأسباب دينية، كلا فلست من رجال الدين، ولا من رجال الفقه، ولكني لا أريدها لأسباب حسية وعقلية، أنت يا جهان عاقلة حكيمة، ذات رأي أصيل، فماذا تقولين في هذا الرجل؟» (ريحاني، ۲۰۱۲: ۲۱) رضا پاشا از حیث وضعیت اجتماعی اشرافی است و متمول، او از چهل سالگی وابسته نظامی سفارت عثمانی در پاریس بود «ولدت جهان وأخوها مجيد بك في باريس حيث كان رضا باشا وهو في الأربعين من عمره ملحقاً عسكرياً في السفارة العثمانية» (همان: ۱۴) و در نهایت ترور می شود «إن أباهما قد مات، قد قتل قتلاً فظيعاً، ولا مرء أن للجنرال فون والنستين يداً في الأمر» (همان: ۱۶) هر چند اعلام می شود که خودکشی کرده است، «قد انتحر رضا باشا في سجنه صباح اليوم باكراً بقطعه أحد شرايين معصمه الأيسر بزجاجة من المصباح الذي وجد مكسوراً على الأرض». (همان: ۷۹)

شکری بک به دلیل بحث طولانی درمورد مجید بک و شلیک تیری به ژنرال به چوبه دار آویخته شد که البته دلیل این مجازات علاقه اش به جهان بود: «إن شكري بك لم يكن ذنبه أن عصي الأوامر العسكرية، بل ذنبه أنه يحب جهان، ولهذا صدر إليه الأمر أن يذهب إلى ساحة الحرب». (همان: ۵۶) که در نهایت با حکم دادگاه محل اعدام می شود: «حوكم القولاغاسي شكري بك في المحكمة العرفية أولاً على عصيانه الأوامر العسكرية، فكان عقابه أنه حرم وظيفته، وجرّد من ألقابه، وحوكم ثانياً على تعمدته القتل لمأرب سياسي، فكان قصاصه الإعدام، ولقد أنفذ الحكم بطلقتين من بنادق ثلثة عسكرية قوامها عشرة جنود». (همان: ۷۱)

شکری بک نمونه فردی است که می‌خواهد حق خود را از ژنرال در رسیدن به جهان بگیرد «أنتقترني بي قبل مغادرتي غدا؟» (همان: ۳۱) اما چون نفوذ و قدرت ژنرال قابل مقایسه با او نیست در این رقابت شکست می‌خورد، و دستور اعزام به میدان جنگ و پس از آن دستور قتلش به بهانه سرپیچی از دستورات نظامی صادر می‌شود.

### شخصیت‌پردازی

آفرینش شخصیت از عوامل مهم در داستان محسوب می‌شود زیرا با توصیف ظاهری شخصیت‌ها و حالات روحی آن‌هاست که می‌توان شخصیت‌ها را به زندگی واقعی نزدیک کرد تا حدی که پذیرش آن‌ها برای خواننده امکان پذیر می‌شود و می‌تواند بین آن‌ها و زندگی خود ارتباط برقرار کند. و آن‌ها را دارای هویت کند، «شخصیت‌سازی نشان دادن هویت راستین اشخاص داستان است» (براهنی، ۱۳۶۲: ۲۸۵). نویسنده در طول داستان، شکل، قیافه، رفتار و نوع پوشش شخصیت‌های داستان را با توجه به شرایط حاکم بر داستان نشان می‌دهد یا راجع به آن‌ها حرف می‌زند. به این کار شخصیت‌پردازی می‌گویند. (اسماعیل لو، ۱۳۸۴: ۱۷)

این‌که نویسنده به بیان خصوصیات شخصیت‌ها از زبان راوی یا شخصیت‌های دیگر یا موقعیت‌ها پردازد شخصیت‌پردازی است. وقتی که نویسنده در توصیفات خود حساسیت داشته باشد و بتواند تصویری دقیق از ظاهر و حالات روانی شخصیت‌ها ارائه دهد باورپذیری مخاطب بیشتر می‌شود و مخاطب قادر خواهد بود که با شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند. ریحانی در این داستان هر دو شیوه شخصیت‌پردازی مستقیم و غیر مستقیم را به کار برده است.

### شخصیت‌پردازی مستقیم

در شیوه شخصیت‌پردازی مستقیم نویسنده بصورت صریح به بیان ویژگی‌های شخصیت‌ها می‌پردازد که این بیان صریح یا توسط راوی یا بوسیله شخصیت‌های دیگر داستان صورت می‌گیرد. در معرفی مستقیم نویسنده رک و صریح با شرح یا با تجزیه و تحلیل، می‌گوید که شخصیت او چه جور آدمی است یا به طور مستقیم از زبان شخص دیگری شخصیت رمان را معرفی می‌کند. (سلیمانی، ۱۳۶۲: ۴۸)

### توصیف مستقیم شخصیت از زبان راوی

راوی در این داستان دانای کل است و در ضمن داستان به توصیف حالات و ویژگی‌های ظاهری شخصیت‌ها می‌پردازد. راوی در ابتدای داستان وقتی می‌خواهد تصویری از جهان ارائه دهد او را این‌گونه وصف می‌کند: «کانت جهان سلیمه طویله، مخلصه فیما تقول وتفعل، وکانت فوق ذلك ذات حنكة عجیبة، کثیرة المعرفة بأسالیب الاجتماع والسیاسة، جدیرة بأن تكون زعیمة من زعیمات أمیرکا المطالبات بالحقوق النسائیة». (ریحانی، ۱۹۱۷: ۱۰)

یا تصویری را که از ژنرال وان والنستین ارائه می‌دهد با این توصیفات همراه است: «کان الجنرال فون والنستین شدید الإعجاب بأصدقائه الأتراك حتی إنه حباً باستمالتهم إلیه تماماً أخذ عنهم شیئاً من عاداتهم، فأصبح فی بعض أطواره ترکياً». (همان: ۱۰)

ریحانی در پردازش شخصیت‌ها ابتدا به توصیف دقیق ویژگی‌های ظاهری، روانی و کارهایی که شخصیت‌ها به آن پرداخته‌اند اقدام می‌کند که این شیوه باعث می‌شود مخاطب در ابتدای داستان یک تصویر کلی از شخصیت را در ذهن خود ترسیم کند تا در ادامه داستان دیدی باز نسبت به شخصیت داشته باشد و دچار سردرگمی نشود. ریحانی زمانی که می‌خواهد فاصله فکری و اجتماعی «جهان» با جامعه‌اش را بیان کند جنبه‌های درونی او را مستقیماً بیان می‌کند: «کانت جهان سلیمه الطویة، مخلصه فیما تقول وتفعل، وکانت فوق ذلك ذات حنكة عجیبة، کثیرة المعرفة بأسالیب الاجتماع والسیاسة، جدیرة بأن تكون زعیمة من زعیمات أمیرکا المطالبات بالحقوق النسائیة» (همان: ۱۰) و یا زمانی که به توصیف رضایاشا می‌پردازد: «رضا باشا شیخ فی الخامسة والسبعین من العمر، ردینی القامة مستویها، طلق الحیا، مهاب الطلعة، کبیر الهممة، عصبي المزاج، حاد الذهن، سریع الحركة والکلام، وفي وجهه الأشعث المستطیل نضارة تنفی حجة السنّ

علیه، ... فهو من أولئك الشرقيين السمر البشرية، الأقوياء الأجسام، الشديدي البأس، الشبيهة رجوليتهم بمزية بالآلهة، خصت بالخلود فلا السنون تقوى عليها، ولا التنعم في دار الحرم يؤثر فيها» (همان: ۱۳)

در زیر این روش تکیه بر توصیفات مستقیم خصوصیات و ویژگی‌های ظاهری و روانی شخصیت‌ها آورده می‌شود:

### توصیف شخصیت توسط شخصیت دیگر

و زمانی که می‌خواهد یکی از شخصیت‌ها را از دید شخصیتی دیگر به تصویر بکشد او را این-گونه توصیف می‌کند.

### وصف جهان از زبان ژنرال وان والنستین

جهان شخصیتی است که برای خود روندی تکاملی را انتخاب کرده و می‌خواهد سوار بر شرایط فرهنگی و اجتماعی باشد اما این فرهنگ‌های منحن آن‌چنان ریشه دوانیده که او را در همان انسان کنیزی و معشوقه فراهم کننده لذت می‌خواهد. ژنرال نماد این نگاه شهوت‌آلود است، «جهان ساحرة ترکیبة، ذات قد أهيف، ومحيا فائق في الحسن، ولحظات تخترق الجماد، ولفئات تشف عن غنج بعيد المقاصد غريبها» (همان: ۱۶)

این جاست که او را حسی و با واژگانی با مفهوم شهوانی (أهيف، غنج، فم، جمال) ترسیم می‌کند.

### وصف ژنرال از زبان جهان

«الجنرال فون والنستين من رجل لا يصدق ظاهره عمره، فهو كبير الخلق، ولم يزل شديد البنية، مهاب الطلعة، جذاب الحيا، وهو رجل بعيد الصيت، ويل الهائمة المسكينة من وجنتيه الحماورين الضاربتين إلى السمرة، وعينه الشهلاوين البرقيتين». (همان: ٣٧)

ريحانی در توصیف شخصیت‌ها همچون حکایت‌های کهن مثل هزار و یک شب و گیلگمش متکی بر ارائه یک شخصیت ایده‌آل و نوعی است و سعی دارد تا شخصیت‌ها را بر گونه نمونه کامل آن ترسیم کند لذا می‌بینیم که ژنرال والنستین «فردی با هیبتی کامل و سیمایی جذاب و پرهیبت است» وی بر آن است تا جنبه محاکاتی شخصیت‌ها را تصویر کند تا با تمام افراد جامعه برابری کند و «شخص بودن» او را در نظر مخاطب برجسته کند. «جاء هذه المرة مرتدياً ثوبه المدني، لابساً طربوشاً قرمزي اللون، وعندما ترجل من العربة التي لم يكن فيها سواه استقبله الخادم عند الباب، وتقدمه إلى البهو الكبير حيث ظل الجنرال واقفاً يجيل نظره في الألواح المعلقة على الجدران، وقد نقشت عليها بالذهب آيات من القرآن» (همان: ٤٢).

### شخصیت‌پردازی غیر مستقیم

در این روش نویسنده با استفاده از عواملی چون گفتگوهای بین شخصیت‌ها و سبک زندگی آن‌ها به معرفی حالات روانی شخصیت‌ها می‌پردازد. به عبارتی «نویسنده با عمل داستانی شخصیت را معرفی می‌کند؛ یعنی ما از طریق افکار، گفتگوها و یا اعمال خود شخصیت، او را می‌شناسیم». (سلیمانی، ۱۳۶۲: ۴۷) روش معرفی مستقیم این حسن را دارد که واضح است و مختصر؛ اما هیچ وقت نمی‌توان به تنهایی از این روش استفاده کرد. لذا گاهی نویسنده غیر مستقیم به معرفی شخصیت‌ها می‌پردازد.

### شخصیت‌پردازی به وسیله گفتگو

یکی از راه‌های شناخت ویژگی‌های شخصیت، گفتگوهای است که افراد داستان در سیر داستان با شخصیت‌های دیگر دارند. «در این شیوه کاربرد صحیح شخصیت‌پردازی و گفتگو ابزار قدرتمندی را در اختیار نویسنده روایت قرار می‌دهد که سبب معرفی و آشکار ساختن

شخصیت در داستان می‌شود». (داد، ۱۳۸۲: ۴۰۶) به بیان دیگر از دیگر ابزارهای نویسنده در ارائه توصیف از شخصیت‌ها عامل گفتگوست.

در این اثر نویسنده از طریق گفتگوی شخصیت‌ها با یکدیگر ویژگی‌های شخصیتی اشخاص داستان را برای مخاطب آشکار می‌کند. زمانی که پدر جهان می‌خواهد از ارتباط دخترش با ژنرال جلوگیری کند گفتگویی بین پدر و دختر صورت می‌گیرد که بیانگر تقابل «من فردی جهان» و «من اجتماعی» یا «توقعات اجتماعی» است که در شخصیت رضا پاشا نمود یافته است، رضا پاشا نماد و نماینده سنت‌ها و عرف جامعه سنتی است که تلاش دارد افراد جامعه را مطیع و به عبارتی «جامعه‌پذیر» کند. «وقال: تطلعي إلیّ الآن، وقولي لي: أبین البنات حتی القرویات منهن من تخاطب أبها كما خاطبتني ليلة أمس؟ ألا ينتظر منك وأنت السيدة المهذبة ذات المواهب السامية أن ترعي البر، وتقيمي على الطاعة البنوية التي هي من مزایا عنصرنا الخاصة، ومن أقدم تقاليدنا؟» (ریحانی، ۲۰۱۷: ۲۰) من اجتماعی/ رضاپاشا همان اجتماع سازمان یافته است که در رفتار و باور انسان تبلور یافته است، این جاست که وقتی انسان داستان/ جهان از این سنن جامعه دوری می‌کند و به عبارتی «کز روی اجتماعی» دارد، جامعه/ توقعات اجتماعی/ رضا پاشا از طریق روش‌های کنترل اجتماعی سعی در انطباق او با ارزش‌ها و عقاید و باورهای جامعه می‌کند؛ «وراحت تنادي جاريته فوجدت الباب موصداً» (همان: ۱۲) و حتی دگران نیز نمی‌توانند این من اجتماعی را رها کنند، «على أنھا لما أمرت الجارية أن تجيئها بمفتاح آخر فتفتح به الباب أدركت الحقيقة المؤلمة، فإن الخدم لم يتجاسروا على أن يخالفوا أمر سيد البيت». (همان: ۱۶) اما این «من فردی» (جهان) دلزده از دنیای سنتی و قلبی است که آزادی او را محدود کرده و آن را نمی‌پذیرد و خود را «دختر انقلابی» می‌داند که با «آزادی ازدواج» کرده است، (همان: ۶) و تمام قد در برابر این «توقعات اجتماعی» می‌ایستد و آن را «عار» می‌داند: «استشاطت جهان غيظاً، واستولى عليها الغم، فصاحت يا للعار، ثم سألت نفسها: ولم يا ترى

يعاملني أبي بمثل هذه المعاملة؟» (همان: ١٧) ریحانی با استفاده از این توصیفات یک تصویر کلی از شخصیت به دست می‌دهد که باعث می‌شود مخاطب در ابتدای داستان به شخصیت اجتماعی افراد داستان پی ببرد.

### شخصیت‌پردازی از طریق سبک زندگی

یکی دیگر از ابزارهای نویسنده برای معرفی شخصیت‌های داستان بهره‌گیری از محیط زندگی آنهاست در این شیوه نویسنده با به تصویرکشیدن محیط زندگی و اسباب آن به بیان ویژگی‌هایی ظاهری، روانی و شخصیتی اشخاص داستان می‌پردازد در این شیوه نویسنده به طور غیر مستقیم به معرفی می‌پردازد. «مکان و محیط زندگی هویت شخصیت‌ها را مشخص می‌کند و حقایق اجتماعی را آشکار می‌سازد و در آن حوادثی روی می‌دهد که نمی‌تواند در مکان‌های دیگر روی دهد و شخصیت‌هایی در آن زندگی می‌کنند که خاص آن مکان هستند و غیر آنها نمی‌توانند در آن زندگی کنند». (عماد، ۲۰۰۲: ۸۸)

«ولم يدخر رضا باشا عناء، ولا ضن بمال في تهذيها وتربيتها على الأسلوب الأوروبي العصري، فقد كان كأتزابه الأتراك قصير النظر، ضعيف الرأي من هذا القبيل، وإلا لاستدرك نتائج هذا التهذيب، خذ لك مثلاً من نقيض أمياله وأذواقه، فقد كان يروقه منظر البيانو في منزله». (ریحانی، ۲۰۱۷: ۱۵)

رضا پاشا برای تربیت دخترش از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند، او می‌خواهد دخترش به سبک اروپایی بزرگ شود؛ اما نتیجه تلاش‌های او پاسخ معکوسی دارد و جهان به سان همسالان ترک خویش، کوتاه نظر است: «ولدت جهان وأخوها مجيد بك في باريس حيث كان رضا باشا وهو في الأربعين من عمره ملحقاً عسكرياً في السفارة العثمانية، وكلاهما ولدا له من سليمة أحب نسائه إليه». (همان: ۱۴) جهان و برادرش در پاریس به دنیا آمدند و تحت تأثیر محیط آن‌جا، شخصیت‌هایی خوش ذوق، باهوش، بزرگ منش و خوش قلب هستند؛ چرا که مادرشان این چنین ویژگی‌ای داشت و در این محیط پرورش یافته بودند.

نتیجه

انسان داستانی یا شخصیت یکی از مهمترین عناصر داستانی است که بار ترسیم دیدگاه نویسنده داستان را با خود دارد، امین ریحانی اندیشمند جهان عرب، مضامین انسانی چون جامعه آرمانی، مبارزه با جهل و تعصب و آزادی را؛ با تکیه بر عنصر شخصیت (جهان)، طرح می‌کند و برای به دست آوردن آزادی و مبارزه با موانع پیش روی آن چون قراردادهای عرفی و اجتماعی و تفکرات سنتی (رضا پاشا/ ژنرال وان والنستین) تلاش می‌کند. ریحانی با این داستان (خارج الحریم) بر آن است تا تأثیرات جامعه بر روی شخصیت‌ها و عملکرد آن‌ها را به نمایش بگذارد با توجیه و ارشاد افکار عمومی گامی به سمت اصلاح و ایجاد تغییر بردارد.

ریحانی در این داستان از شخصیت‌های متعددی استفاده کرده است هرچند این شخصیت‌ها به انگشتان دست نمی‌رسد؛ اما این شخصیت‌ها با وجود اینکه افرادی عادی و واقعی هستند که آن‌ها را در بین خود و کوچه بازار می‌بینیم، شخصیت‌های تپیکال هستند که خود حامل نگاهی از جامعه می‌باشند که پیام داستان را برای مخاطب به صورت عنصری مسلط در می‌آورند.

داستان «خارج الحریم» با شخصیت پویا و گسترده «جهان» بیانگر تقابل سنت و مدرنیته در دنیای زیستی است که ریحانی با خلق دو گونه شخصیت (جهان) و (رضا پاشا، ژنرال وان والنستین، شکری بک) تلاش‌های «من فردی» در مقابل «من اجتماعی» (توقعات و انتظارات اجتماعی) برای کسب «خود» و فردیت آن را به تصویر می‌کشد و کوشش روشنفکرانه ریحانی برای انزجار از ارزش‌های منحط جامعه در بعد روانی «جهان» و مقاومت وی در مقابل فرهنگ سنتی «رضا پاشا» و غریزه لذت‌جویانه و نگاه جنس دوم مدارانه «ژنرال وان والنستین» مشهود است.

ریحانی در این داستان برای این تمایلات روشنفکرانه خود از شیوه‌های شخصیت‌پردازی متعددی بهره جسته هرچند به جبر نوپایی هنر داستان نویسی نتوانسته است زیاد مهارت‌نمایی کند؛ چندان‌که متکی به شیوه شخصیت‌پردازی مسقیم برای شخصیت‌ها بوده است و این قسمت توانمندتر از روش غیر مستقیم عمل کرده است؛ به طوری که در ورود به ابعاد روحی و

احساسی شخصیت‌ها از بیرون، پرده از آن‌ها برداشته است و کمتر عواطف آن‌ها را در کنش‌ها و واکنش‌ها نشان می‌دهد؛ اما وی از شیوه‌های دیگری چون بهره مندی از روش «گفتگو شخصیتی» و توصیف «محیط و شرایط زندگی» غافل نمانده و با کمک آن‌ها به تصویر شخصیت‌ها پرداخته است.

امین ریحانی در این رمان توانسته واقعیت‌های اجتماعی را با تخیل قوی و زبان فاخر خویش به واقعیت داستانی تبدیل کند و حوادث اجتماعی دوران معاصر خود را در جامعه‌ای دیگر به تصویر بکشد. هدف ریحانی از شخصیت پردازی دقیق، انعکاس تصویری دقیق و قابل ترسیم برای مخاطب می‌باشد تا درک شخصیت‌ها و شرایط برای خواننده ملموس و باورپذیر باشد.

#### منابع و مأخذ:

#### کتاب

#### أ: عربي

- بحراوي، حسن، (١٩٩٠)، *بنية الشكل الروائي*. المركز الثقافي. بيروت: دار البيضاء.
- البناء، بان صلاح، (٢٠٠٩)، *الفواعل السردية*. عمان: عالم الكتاب الحديث.
- الريحاني، أمين، (١٩١٧)، *خارج الحرم*. القاهرة: هندواي للتعليم والثقافة.
- زيتوني، لطيف، (٢٠٠٢)، *معجم مصطلحات نقد الرواية*. بيروت: مكتبة لبنان.
- عماد النششة، جميلة، (٢٠٠٢)، *المكان في روايات سحر خليفة*. فلسطين: جامعة الخليل.
- فخر رازي، محمد بن عمر، (١٩٩٩)، *تفسير كبير*. چاپ سوم، جلد ٣، بيروت. لبنان: دار إحياء التراث العربي.
- القاضي، عبدالمعزم زكريا، (٢٠٠٩)، *البنية السردية في الرواية*. الجزيرة: مركز البحوث الانسانية.
- وادي، طه، (١٩٩٦)، *الرواية السياسية*. القاهرة: دار النشر للجامعات المصرية.

#### ب: فارسی

- بريام، آلوت (١٣٨٠)، *رمان به روایت رمان نویسان*. ترجمه محمد علی حق شناس، تهران: مرکز.
- اسماعیل لو، صدیقه، (١٣٨٤)، *چگونه داستان بنویسیم*. چاپ دوم، تهران: نگاه.
- براهنی، رضا، (١٣٦٢)، *قصه نویسی*. چاپ سوم، تهران: نو.
- ایرانی، ناصر (١٣٨٠)، *هنر رمان*. تهران: آبانگاه.
- پراین، لارنس، (١٣٦٢)، *تأملی دیگر در باب داستان*. ترجمه محسن سلیمانی. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

- توسلی، غلامعباس، (۱۳۶۹)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت.
- داد، سیما، (۱۳۸۲)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: مروارید.
- دقیقیان، شیرین دخت، (۱۳۷۱)، *منشأ شخصیت در ادبیات داستانی، پژوهشی در نقش پروتوتیپ‌ها در آفرینش ادبی*. ناشر: نویسنده.
- سلیمانی، محسن، (۱۳۶۲)، *تأملی در باب داستان*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- مقدادی، بهرام، (۱۳۷۸)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: فکرروز.
- مورگان فورستر، ادوارد، (۱۴۰۰)، *جنبه‌های رمان*. ترجمه: ابراهیم یونسی. چاپ دهم، تهران: نگاه.
- میرصادقی، جمال، (۱۳۹۴)، *عناصر داستان*. چاپ هفتم، تهران: سخن.
- میرصادقی، جمال و میمنت ذوالقدر، (۱۳۸۸)، *واژه نامه هنر داستان نویسی: فرهنگ تفصیلی اصطلاح های ادبیات داستانی*، چاپ دوم، تهران: کتاب مهناز.
- مهدی پورعمرانی، روح الله، (۱۳۸۸)، *آموزش داستان نویسی*. تهران: تیرگان.
- یونسی، ابراهیم، (۱۳۸۲)، *هنر داستان نویسی*. تهران: امیر کبیر.

#### پایان نامه

- بناساز، سکینه، (۱۳۹۴)، «*بررسی عناصر داستان در رمان زنبقه الغور از امین ریحانی*». استاد راهنما: علی اکبر احمدی چناری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل.

#### مقاله

- صیاد کوه، اکبر؛ نجفیان، آزاده و پریسا ظهیر امامی، (۱۳۸۹)، «*بررسی عنصر شخصیت در حکایت‌های بوستان سعدی*». *بوستان ادب*، شماره دوم، صص ۱۰۷-۱۳۱.
- عرب یوسف آبادی، عبدالباسط؛ احمدی چناری، علی اکبر (۲۰۱۷م). «*عولم السرد الفانتازي لرواية «امرأة القارورة» لسليم مطر*». *دراسات في اللغة العربية وآدابها*. السنة ۷. العدد ۲. صص ۹۱-۱۷۲.
- گرجی، مصطفی و یوسف رضا حامدی، (۱۳۸۹)، «*بررسی و تحلیل رمان بیوتن با تأکید بر عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی*». *فصل نامه تخصصی پیک نور*، شماره اول، صص ۱۶۱-۱۸۳.

**Sources and references:****Book****A: Arabic**

Bahrawi, Hassan, (1990), the structure of the novel. Cultural Center. Beirut: Dar Al Bayda. Al-Banna, Ban Salah, (2009), Functions of the novel. Amman: Alam al-Kitab al-Hadith.

Al-Rihani, Amin, (1917), outside the house. Cairo: Hindu Foundation for Education and Culture.

Zaitouni, Latif, (2002), Dictionary of terms of novel criticism. Beirut: Lebanon maktabat.

Imad Al-Nashta, Jamila, (2002), Places in in Sahar Khalifa novels. Philosophers: Hebron University.

Fakhr Razi, Muhammad ebn Omar, (1999), Tafsir Kabir. Third edition, volume 3, Beirut. Lebanon: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.

Al-Qadi, Abdul Moneim Zakaria, (2009), Narrative structure in the novel. Al-Giza: Center for Humanities Research.

Wadi, Taha, (1996), Political novel. Cairo: Dar al-Nashar for the Egyptian universities.

**B: persian**

Briam, Alot (1380), a novel narrated by novelists. Translated by Mohammad Ali Haqshenas, Tehran: markaz.

Ismail Lo, Siddiqa, (2004), How to write a story. Second edition, Tehran: Negah.

Brahni, Reza, (1362), short story writer. Third edition, Tehran: New.

Irani, Nasser (2010), the Art of the Novel, Tehran: Abangah.

Prine, Lawrence, (1362), another reflection on the story. Translated by Mohsen Soleimani. Tehran: Islamic Propaganda Organization's artistic field.

Tavsoli, Gholam Abbas, (1369), theories of sociology. Tehran: Samt.

Dad, Sima, (2012), Dictionary of Literary Terms. First edition, Tehran: Marwarid.

Daghighan, Shirin Dokht, (1371), the origin of personality in fiction literature, a research on the role of prototypes in literary creation. publisher: nevisandeh.

Soleimani, Mohsen, (1362), a reflection on the story. Tehran: Islamic Propaganda Organization's art field.

Meqdadi, Bahram, (1378), Dictionary of Literary Terms. Tehran: Fekr roz.

Morgan Forster, Edward, (1400), aspects of the novel. Translation: Ebrahim Yunsi. 10 edition, Tehran: Negah.

Mirsadeghi, Jamal, (2014), Story Elements. 7th edition, Tehran: Sokhon.

Mirsadeghi, Jamal and Maymant Zulqadr, (2008), Dictionary of the art of fiction writing: a detailed dictionary of fiction terms. Second edition, Tehran: Mahnaz Kitab.

Mehdipour-Omrani, Ruhollah, (2008), teaching story writing. First edition, Tehran: Tirgan.

Yonsi, Ebrahim, (2012), the art of story writing. Tehran: Amir Kabir.

**Thesis**

Banasaz, Sakineh, (2014), "Investigation of story elements in the novel Zanbaqah al-Ghor by Amin Rihani". Supervisor: Ali Akbar Ahmadi Chenari, Faculty of Literature and Humanities, Zabol University.

**Article**

Sayad Kouh, Akbar; Najafian, Azadeh and Parisa Zahir Emami, (1389), "Investigating the element of personality in Bostan Saadi's stories". Bostan Adab, second period, second issue, pp. 107-131.

Gurji, Mustafa and Youssef Reza Hamed, (2009), "Examination and analysis of Bioton's novel with an emphasis on the element of personality and characterization". Pik Noor special magazine, first issue, pp. 161-183.

## تقنيات الشخصية وتوصيفها في رواية "خارج الحرم" لأمين الريحاني

نوع المقالة: أصيلة

إبراهيم نامداری\*؛ علي أكبر أحمدی؛ علي شویعیان<sup>٣</sup><sup>١</sup>الأستاذ المشارك فرع العلوم القرآنية والحديث، كلية العلوم الانسانية، جامعة آية الله العظمى بروجردي (ره)، بروجرد، إيران<sup>٢</sup>الأستاذ المساعد فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة بيام نور، تهران، إيران<sup>٣</sup>المجستير فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة بيام نور، تهران، إيران

## الملخص

تعدّ الشخصية من العناصر البارزة في الفن القصصي والتي بها يتم الكشف عن تفكير الروائي وهواجسه. حيث أمكن للقارئ أن يفهم الأحداث خلال ما يفهمه في فحص شخصية القصة، ويمكن أن يكون لذلك تأثير كبير على موضوع القصة. يستخدم الكاتب اللبناني المعاصر أمين الريحاني تقنيات خاصة في قصصه للتأثير على مخاطبيه وجذبهم إليها. إحدى هذه التقنيات في الرواية، هي الشخصية وتوصيفها. يحاول المقال الحالي دراسة هذا العنصر المهم في الرواية المذكورة بالاعتماد على المنهج الوصفي التحليلي والنظر في رواية "خارج الحرم". وبهذه الطريقة، يقوم أولاً بتلخيص القصة ثم تحليل شخصيات الرواية، وأخيراً، يقوم بفحص أساليب وتقنيات هذه الشخصيات في ظل أمثلة من الرواية. ومن أهم إنجازات هذا البحث أن أمين الريحاني استطاع تحويل الحقائق الاجتماعية إلى واقع خيالي بخياله القوي ولغته المحيطة ويصور الأحداث الاجتماعية لعصره الراهن في مجتمع آخر. يهدف الريحاني من التوصيف الدقيق إلى انعكاس صورة دقيقة وقابلة للرسم للجمهور بحيث يكون فهم الشخصيات والظروف أمراً ملموساً ومعقولاً للقارئ، وقد استخدم طريقتين للتوصيف في قصته حيث يقدم الشخصية للجمهور بشكل واضح ومباشر في التوصيف المباشر، وفي التوصيف غير المباشر، فهو يجمع بين عنصري الخيال والواقع.

الكلمات الرئيسية: العناصر الخيالية، الشخصية وتوصيفها، أمين الريحاني، خارج الحرم.